

بررسی فرسایش سرمایه اجتماعی زنان و پیامدهای آن در خانواده (مطالعه موردی: خانواده‌های از هم گسیخته در شهرستان کاشان)

دکتر عبدالرضا باقری بنجار^۱، نرگس برازنده بهروز^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

چکیده:

در بررسی فرسایش سرمایه اجتماعی و از هم گسیختگی خانواده، با بهره‌گیری از نظریات تئوری پردازان سرمایه اجتماعی همچون کلمن، پاتنام، فوکویاما و بوردیو و بررسی برخی از نظریات مربوط به از هم گسیختگی خانواده همانند آنومی اجتماعی، فشار، محرومیت نسبی چارچوب تئوریک تدوین شد. شاخص‌های اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و تعاملات اجتماعی برای سنجش فرسایش سرمایه اجتماعی انتخاب شدند. بر این اساس شش فرضیه تدوین شد و به روش پیمایشی با پرسشنامه‌های دارای اعتبار با ۳۸۵ نفر از زنان مطلقه و غیر مطلقه شهرستان کاشان، که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند، آزموده شد. و میزان فرسایش سرمایه اجتماعی در دو گروه مقایسه شد؛ همچنین برای پی بردن به پیامدهای این پدیده مصاحبه‌های انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه بین فرسایش سرمایه اجتماعی زنان و از هم گسیختگی خانواده، معنادار است، یعنی هر چه میزان فرسایش سرمایه اجتماعی زنان بیشتر باشد، از هم گسیختگی خانواده آنان هم بیشتر خواهد بود. رابطه همه ابعاد سرمایه اجتماعی زنان و از هم گسیختگی خانوادگی معنادار است؛ یعنی با فرسایش میزان اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و تعاملات اجتماعی زنان مطلقه نسبت به زنان غیر مطلقه، میزان از هم گسیختگی خانوادگی آنان هم افزایش می‌یابد. بر اساس مصاحبه انجام شده هم، می‌توان پیامدهای مسئله مورد نظر را این چنین برشمرد: بی‌سرپرست یا بدسرپرست شدن کودکان، کودک‌آزاری به شکل‌های مختلف، اعتیاد، فرار از خانه و خودکشی.

مفاهیم کلیدی: فرسایش سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و تعاملات اجتماعی، از هم گسیختگی اجتماعی

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران ab.bagheri@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) nn.barazandeh.b@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

سرمایه اجتماعی مجموعه ظریفی از روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل میان اعضای جامعه را تسهیل می‌کند. تغییر و دگرگونی در میزان سرمایه اجتماعی نشانگر علائم بیماری یا سلامت هر جامعه است، و جوامعی که میزان سرمایه اجتماعی آنها به هر دلیلی کاهش می‌یابد، گسیختگی و شکاف شگرفی در آن جوامع پدیدار می‌شود، بنابراین سرمایه اجتماعی به صورت نوعی ضربه‌گیر اجتماعی عمل می‌کند. دانشمندان حوزه‌ی سرمایه اجتماعی بر این عقیده‌اند که سرمایه اجتماعی اگر تجدید نشود مستهک می‌گردد، روابط اجتماعی اگر حفظ نشود به تدریج از بین می‌رود، و هنجارها به ارتباطات منظم بستگی دارند (Coleman, 1998: 485)؛ بنابراین سرمایه اجتماعی باید پیوسته بازتولید شود وگرنه در صورت پایین ماندن آن مسائل عمده‌ای پدید می‌آید. نهادهای متعددی با زمینه‌سازی ارتباطی و تولید هنجارها به تولید و ابقاء سرمایه می‌پردازند. در این پژوهش صرفاً تأثیر جایگاه خانواده (زنان) بر میزان سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، چرا که نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی از جمله بوردیو، کلمن، فوکویاما و محققانی چون آماتو، آلات، نیوتن، هیوز و فاسن برگ، و نیترو و غیره، خانواده را یکی از ابزارهای کلیدی تولید و پرورش و انتقال سرمایه اجتماعی می‌دانند. در خانواده است که هنجارهای عمل متقابل و مسئولیت‌پذیری تلقین و تثبیت می‌شود و فرزندان برای عمل متقابل و اعتماد به دیگران آماده می‌شوند. خانواده‌های سنتی و مدرن، محدود یا گسترده، الگوی نقشی قدرتمندی را عرضه می‌کنند و الگوهای عمل و محدوده‌های کنش را به فرزندان می‌آموزند، امید یا ناامیدی را می‌پروراندند و پیوند با اجتماع وسیع‌تر را تدارک می‌بینند، تا اندازه‌ای که فرسودگی روابط خانوادگی پتانسیل مشارکت را کاهش می‌دهد (Anfield & et. al., 2008)؛ بنابراین تأثیر خانواده در خلق و ایجاد سرمایه اجتماعی مثبت و منفی، عمیق‌تر و ماندگارتر از دیگر حوزه‌هاست و بازدهی بیشتری دارد و عامل مؤثر فعال‌سازی اعضای خانواده محسوب می‌شود. خانواده در طول تاریخ، تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی، دگرگون شده است. با ظهور انقلاب صنعتی، نهاد خانواده دچار تغییراتی شد. با افزایش مهاجرت به شهرها، رشته‌ی خانواده از هم گسست و کارکردهای خانواده به نهادهای جدید مانند مهد کودکها، مدارس، خانه‌های سالمندان، رسانه‌های جمعی و نهادهای تأمین رفاه اجتماعی واگذار شده است. در خانواده هسته‌ای، با انتقال فضای تولید اقتصادی از خانه و مزرعه به کارخانه‌های صنعتی و بنگاه‌های اقتصادی و تجاری، نقش اقتصادی و تجاری خانواده در زندگی اجتماعی کم‌رنگ شده است. کاهش تعداد فرزندان، زندگی یک پدر و مادر و فرزندان در زیر یک سقف و حضور زنان در فضاهای

اجتماعی خارج از خانواده از دیگر ویژگی‌های خانواده هسته‌ای در عصر مدرن محسوب می‌شود (Toffler, 1995: 249-305; 1991: 240-290). خانواده دارای کارکردهای مهمی از جمله؛ بازتولید نیروی انسانی، تأمین نیازهای عاطفی و سلامت روانی، ارتقای ظرفیت تحمل و مدارا، نقش سازنده در تأمین یکپارچگی اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان و ارائه الگوها و هنجارهای اخلاقی و رفتاری می‌باشد. همچنین آماده ساختن فرزندان برای پذیرفتن نقش اقتصادی (نیروی اقتصادی مولد)؛ نقش فرهنگی (یادگیری، یاددهی و پایبندی به ارزش‌ها و آرمان‌ها)؛ نقش سیاسی (مشارکت فعال سیاسی و عضویت در تشکل‌ها)؛ نقش امنیتی (انگیزه دفاع از کشور، ارزش‌ها و جامعه امن)؛ نقش زیست‌محیطی (حفظ منابع محیط زیست، آب، خاک و هوا)؛ نقش خانوادگی (فرزندی، پدری و یا مادری)؛ نقش دینی (یادگیری آموزه‌های دینی و نحوه ترویج آن) و بالاخره نقش اجتماعی (شهروند مطلوب و مشارکت در امور اجتماعی) از کارکردهای آن می‌باشند. پرورش و تکامل کودک و نوجوان در اولین مرحله زندگی در محیط خانوادگی و محل زندگی می‌باشد. همگی اینها تضمین‌کننده نقش اجتماعی خانواده در رابطه با سرمایه اجتماعی درون و برون خانوادگی است؛ تا آنجا که می‌توان از واقعیتی تحت عنوان سرمایه اجتماعی خانواده سخن گفت (Rouhani, 2010:41).

در خصوص دگرگونی‌های نهاد خانواده، تغییرات به‌خصوص در مورد زنان و نقش و جایگاه اجتماعی آنان قابل توجه است. از عمده‌ترین موارد دگرگونی در میزان تحصیلات درصد اشتغال، سن ازدواج، میزان باروری، میزان طلاق زنان مشاهده می‌شود؛ که این موارد مبین دگرگونی نقش و جایگاه اجتماعی زنان ایرانی است، نقش‌های سنتی زنان در درون خانواده و در زمینه‌های اجتماعی دچار تحول شده است.

سرمایه‌ی اجتماعی از حدود سه دهه پیش به‌طور رسمی در حوزه مطالعات دانشگاهی و به‌طور خاص، جامعه‌شناسی وارد و تحقیقات بسیاری در خصوص آن انجام شده است. از جمله این تحقیقات، می‌توان به تحقیقات جیمز کلمن، رابرت پاتنام و بورديو اشاره کرد. با مطالعه این تحقیقات، مشخص می‌شود که جای تحقیق مستقل و جامعی در سرمایه اجتماعی و فرهنگی زنان درون خانواده، به‌عنوان بخش عظیمی از جامعه و نیرویی تأثیرگذار بر توسعه، خالی است. این در حالی است که زنان با تخصیص نیمی از منابع انسانی به خود، بستری مطلوب برای تولید منابع اقتصادی و سرمایه‌ی اجتماعی هستند. اگر زیر ساخت سرمایه اجتماعی را انواع اعتماد، مشارکت، هنجارها و حمایت‌ها (مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) بدانیم، زنان با بهره‌گیری از فرصت‌ها و تولید فرصت‌های اجتماعی در کانون این زیرساخت جای داشته و عامل اساسی درون خانواده در حفظ یا از دست دادن سرمایه اجتماعی درون خانواده

و در ارتباط با شبکه‌های ارتباطی برون خانواده، هستند. گرچه در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی تأکید کافی بر نقش خانواده‌ها در ساخت سرمایه اجتماعی، خواه در چارچوب شبکه‌های خانوادگی یا حتی شبکه‌های اجتماعی نمی‌شود، در عوض تأکید بیش از حدی بر میزان زمان نسبتاً اندکی که هر فرد صرف همکاری با انجمن‌های داوطلبانه می‌نماید، شده است. این‌گونه فعالیت داوطلبانه نمی‌تواند مهم‌ترین شبکه برای توسعه هنجارهای اعتماد و عمل متقابل باشد. به گفته Norton اگر می‌خواهیم نظریه جامع‌تری درمورد ارتباط بین جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی ارائه دهیم، نمی‌توانیم نهادهایی (مانند خانواده‌ها، مدارس و شرکت‌ها)، را که نرخ مشارکت در آنها بسیار بیشتر از انجمن‌های داوطلبانه است، نادیده بگیریم؛ به احتمال بسیار زیاد همین نهادها و نه انجمن‌های داوطلبانه هستند که خالق اصلی شبکه‌های اجتماعی می‌باشند» (Norton, 1997:5-6).

از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی درون و برون خانواده می‌توان به چند مورد مهم اشاره کرد که عبارتند از: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و غیره، که وجود این عوامل از طرفی و نبودشان از طرفی دیگر در خانواده، بر سرمایه اجتماعی اعضای خانواده در استحکام یا عدم استحکام خانواده، بسیار مؤثر می‌باشد.

بنابراین با توجه به اهمیت اساسی نهاد خانواده در جامعه، همچنین اهمیت سرمایه اجتماعی (اعتماد، همبستگی، مشارکت، حمایت، و غیره)، و کمبود مطالعات منظم و روشمند در این زمینه، در این پژوهش تلاش بر این خواهد بود با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی مختلف، میزان فرسایش سرمایه اجتماعی و تأثیر و پیامدهای آن در خانواده‌های از هم گسیخته شهرستان کاشان، در یک مطالعه موردی در دو گروه زنان از خانواده‌های از هم گسیخته و خانواده‌های دارای استحکام، مورد مطالعه قرار گیرد.

بنابراین نگارنده در تحقیق حاضر با توجه به اهمیت نکات ذکر شده، در صدد بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان و از هم گسیختگی خانوادگی آنان است؛ و سرمایه اجتماعی را با عنوان متغیر مستقل و تأثیرگذار (با شاخص‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و تعاملات اجتماعی) بر از هم گسیختگی خانوادگی در نظر می‌گیرد، و به دنبال پاسخ‌گویی علمی و تحقیقی به این سؤال اصلی است: چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی زنان و از هم گسیختگی خانوادگی آنان وجود دارد؟

اهداف پژوهش**هدف کلی**

- شناخت رابطه سرمایه اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده‌ها در جامعه.

اهداف جزئی

- شناخت رابطه اعتماد اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده‌ها.
- شناخت رابطه احساس حمایت اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده‌ها.
- شناخت رابطه احساس انسجام و همبستگی اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده‌ها.
- شناخت رابطه مشارکت اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده‌ها.
- شناخت رابطه روابط و تعاملات اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده‌ها.

پیشینه پژوهش**الف) تحقیقات داخلی**

در این قسمت از تحقیق سعی شده به برخی از تحقیقات که تاکنون درباره سرمایه اجتماعی و نیز از هم گسیختگی خانوادگی با سایر متغیرها، در ایران و سایر نقاط جهان به انجام رسیده پرداخته شود.

اسلامی بناب (۱۳۹۰)، در تحقیق خود تحت عنوان بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، نشان داد که همه معرف‌های مورد بررسی با آنومی اجتماعی همبستگی معکوس و معناداری دارند، یعنی هر چه از میزان اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی دانشجویان کاسته شود، به همان میزان، احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان بالا می‌رود؛ متغیر اعتماد اجتماعی در تبیین میزان آنومی در جامعه تعیین‌کننده‌تر بوده و دارای اهمیت خاصی می‌باشد؛ به طوری که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر جامعه‌ای دارای اعتماد بالایی باشد، افراد آن جامعه کمتر دچار احساس آنومی خواهند شد و بالعکس.

جلوداری (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان بررسی عدم عوامل سرمایه اجتماعی مؤثر بر فروپاشی خانواده سالم و پایدار، به این نتیجه رسید که میان همه معرف‌های غیبت پدر، غیبت مادر، کشاکش نقش‌ها، انقلاب اطلاع‌رسانی، اوضاع اقتصادی و سستی ایمان با فروپاشی

خانواده سالم و پایدار رابطه معناداری وجود دارد، و از میان آنها معرف کشاکش نقش‌ها بیش از سایر معرف‌ها فروپاشی خانواده را با ضریب تعیین ۵۷ درصد واریانس، تبیین می‌کند. فیروزجاییان و علی بابایی (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان فرسایش سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در شهر تهران، با نمونه ۴۰۰ نفری انجام شده با بررسی فرسایش سرمایه اجتماعی با مفاهیمی چون عدم اعتماد، عدم اعتماد تعمیم‌یافته، عدم اعتماد مدنی، فردگرایی و روابط رسمی و غیر رسمی؛ مورد سنجش قرار گرفته است. در نتایج آمده است که: به جز یک متغیر (روابط غیر رسمی) همبستگی سایر متغیرها با قانون‌گریزی معنادار بوده است.

ب) تحقیقات خارجی

تحقیقی که توسط *Jan Paol & et. al, (2009)* با عنوان سرمایه اجتماعی خانواده و درگیری بزهکارانه انجام شد نوعی همبستگی بین سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری نشان می‌داد. یافته‌های این پژوهش، که مبتنی بر سنجش سرمایه اجتماعی خانواده، عقاید مذهبی، نتایج تحصیلی و بزهکاری همسالان بود، نشان داد: ۱. سرمایه اجتماعی خانواده همراه با سرمایه‌گذاری در زمان و تلاش و منابع در دسترس، زمینه را برای ایجاد یک پیوند ادغامی برای اعضای خانواده در نوعی روابط دوجانبه اعتماد و تعهد ایجاد می‌کند. ۲. جوانان متعهد به مدرسه یا دانشگاه میزان بالایی از موفقیت در تحصیلات و میزان پایینی از دسترسی به همسالان بزهکار، را دارا می‌شوند. ۳. میزان بالای زمان صرف شده با والدین درگیری در بزهکاری همسالان را کاهش می‌دهد، و به عنوان مانعی در برابر رفتار غیرقانونی می‌باشد.

Hazlina Hamdan & et. al (2014) در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در همسایگان شهری با خانه‌های متراکم در سه ناحیه شهری، در سال ۲۰۱۴ نشان داده‌اند که در هر سه ناحیه رابطه بسته‌ای میان اعضای خانواده وجود دارد و رابطه با همسایگان و دوستان و همکاران در سطح پایینی قرار دارد. اعتماد اجتماعی در سه ناحیه میان روابط خانواده‌ها با همسایگان مورد ارزیابی قرار گرفته، که قابلیت اعتماد به همسایگان در سطح پایینی قرار داشته است، میزان مشارکت اجتماعی خانواده‌ها در هر سه ناحیه مورد نظر با شدت متفاوتی وجود داشته است. در نتیجه مشخص شده سرمایه اجتماعی برای آنهایی که در خانه‌های متراکم زندگی می‌کنند، بعضی اوقات به آسانی تعیین شده و مشخص نمی‌باشد؛ و بر اساس زندگی اجتماعی در هر ناحیه، پیوندهای درون شبکه‌ای، درگیری در کنش‌های جمعی، اعتماد اجتماعی و غیره؛ میزان سرمایه اجتماعی مرتبط با کیفیت زندگی متفاوت است.

در تحقیقی که *Rahn & et. al (1976)* با عنوان اعتماد اجتماعی و تغییر ارزش، کاهش سرمایه اجتماعی در جوانان آمریکایی در فاصله زمانی ۱۹۷۶-۱۹۹۵، با هدف بررسی کاهش سرمایه اجتماعی انجام داده‌اند، نتیجه گرفتند که با توجه به اینکه اعتماد اجتماعی تعمیم یافته در نظریات متنوع جامعه آمریکا نقش مهمی را ایفا می‌کند، اما شواهد اخیر حاکی از آن است که سطوح پایین اعتماد در میان جوانان ناشی از تغییرات در زندگی مدنی آمریکایی است. با کاربرد داده‌های پیمایشی جمع‌آوری شده از سال آخری‌های دبیرستان در طول ۲۰ سال گذشته، این مقاله اصول اعتماد اجتماعی در میان افراد جوان و علل تغییر در عقاید پیرامون اعتماد در طول زمان را بررسی می‌کند. با استفاده از گزارشات نظریه شناختی الکسی دوتوکویل و امیل دورکیم به‌عنوان نظریه جایگزین، می‌توان گفت که ارزش‌های مادی‌گرایانه ممکن است دیدگاه‌های افراد جوان را پیرامون قابلیت اعتماد دیگران کاهش دهند. هر دو این نظریه‌پردازان پیوندهای دوره‌های زمانی و مدل سطح فردی را متراکم نموده و این مدل نشان می‌دهد که افزایش سریع گرایش‌های ارزشی مادی‌گرایانه در میان جوانان در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شدیداً سطوح اعتماد اجتماعی را کاهش داده بود (۱۹۸۸).

در پژوهش حاضر، سعی شده با اندازه‌گیری شاخص‌های سرمایه اجتماعی، به بررسی میزان فرسایش آن پرداخته شود. با تفاوت قائل شدن بین ابعاد سرمایه اجتماعی در دو گروه زنان از خانواده‌های ازهم گسیخته و خانواده‌های دارای استحکام، نظریه‌های استفاده شده، قادر است تا معنادارترین عوامل در ارتباط با فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده‌های ازهم گسیخته مورد مطالعه را شناسایی نماید. بدین منظور بر حسب موقعیت جامعه مورد مطالعه برای مقایسه فرسایش سرمایه اجتماعی دو گروه، از نظریاتی که در این تئوری‌ها مورد بررسی قرار گرفت، استفاده خواهد شد. تحقیق حاضر به دنبال بررسی میزان فرسایش در سرمایه اجتماعی زنان در طول زندگی خانوادگی می‌باشد، و در طی جریان تحقیق و مقایسه دو گروه از خانواده‌ها به دنبال این است که ببیند در این دو گروه خانواده‌ها، سرمایه اجتماعی زنان چه تفاوتی دارد؟ آیا میزان سرمایه و احتمالاً کاهش آن در ازهم‌گسیختگی خانوادگی مؤثر بوده است یا خیر؟

مبانی نظری و مدل مفهومی پژوهش

چارچوب نظری پژوهش

از هم گسیختگی خانواده به‌عنوان یک متغیر مهم در بروز جرم و آسیب‌های اجتماعی ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد. در تعاریفی که در این زمینه وجود دارد مهم‌ترین و کامل‌ترین

تعاریف به *Goud* استنباط داده شده است که عبارت است از: شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه و ترکیبی از نقش‌های اجتماعی به علت آن که یک یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود آن‌طور که باید و شاید بر نیامده‌اند؛ که در این صورت می‌توان به‌طور مثال به دو بعد اشاره کرد: فسخ، جدایی و طلاق، خانواده تو خالی.

در تحقیق حاضر هم، از هم گسیختگی خانوادگی برای زنان، در چند شکل مد نظر بوده است: طلاق، در حال طلاق، زندگی جداگانه از همسر. در تبیین جامعه‌شناختی پدیده از هم گسیختگی خانواده از نظریات خرد و کلان استفاده شده است که به وسیله آن‌ها چرایی و چگونگی این مسئله تبیین می‌شود، در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود؛ بر اساس نظریه بی‌سازمانی شهرهای مدرن با تغییراتی مثل؛ تضعیف علاقه و روابط خویشاوندی، کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی، تضعیف روابط همسایگی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر، افزایش بی‌اعتمادی و مواردی مانند آن مواجه بوده است، که محیط مناسبی برای کجروی و جرم فراهم می‌کند. فرض بی‌سازمانی اجتماعی بر این است که عدم وابستگی به نهادها و سازمان‌های اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه و غیره موجب رفتار انحرافی می‌شود. به عبارت دیگر، این تئوری بر شرایط تأکید می‌کند (شرایط بی‌سازمانی)، که در آن وابستگی به نهادهای اجتماعی و سازمان اجتماعی از هم پاشیده و دیگر کنترلی اعمال نمی‌شود. بی‌سازمانی اجتماعی نشان می‌دهد، افراد جامعه در کسب ارزش‌ها، روابط اجتماعی و توانایی برای کسب اهداف مشترک، تحت تأثیر خانواده، همسایه‌ها و ساکنان محل می‌باشند. مشخصه‌های ساختاری، همچون فقر و بیکاری همگی پیش‌بینی کننده نتایج بی‌سازمانی می‌باشد؛ لذا، سطح پایین‌تر انسجام اجتماعی جوانان، اغلب با متغیرهای ساختاری مرتبط می‌تواند پیامدهای آنومی را افزایش دهد (Boven & et. al, 2002). بی‌سازمانی اجتماعی چارچوبی فراهم می‌کند که گسیختگی شبکه‌های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است به هم می‌ریزد. بنابراین، گسیختگی اجتماعی بر پیوندهای اجتماعی آسیب می‌زند، چون سطوح دسترس‌پذیری سرمایه اجتماعی و تأثیرپذیری جمعی را کاهش می‌دهد.

بر اساس نظریه فشار وقایع پرتنش در خانواده یا محله منجر به احساسات منفی و سپس بزهکاری می‌گردد؛ به‌ویژه اگر منابع هنجاری چیره شود؛ و حمایت والدین و همسالان قابل دسترسی نباشد. طبق این تئوری، می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی و همچنین کاهش حمایت، مشارکت، انسجام و روابط اجتماعی در جامعه و نیز در درون خانواده باعث می‌شود که افراد، هنگام روبرو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن‌ها غلبه نمایند؛ در نتیجه احساسات منفی در آنان ایجاد می‌شود که منجر به کجروی و ناهنجاری خواهد شد. نظام

اجتماعی، اجتماع، یا خرده نظام در درون یک جامعه در صورتی تحت عنوان یک نظام اجتماعی سازمان یافته و هماهنگ توصیف می شود که در خصوص هنجارها و ارزش های آن، نوعی اتفاق نظر درونی و اجماع رأی وجود داشته باشد؛ میان اعضای آن همبستگی قوی به وجود آید و تعامل اجتماعی به گونه ای منظم در آن جریان یابد. برعکس، اگر در همبستگی و انسجام اجتماعی آن خللی ایجاد شود، یا بین اجزاء و عناصر آن تفرقه و پراکندگی به وجود آید، نظام، بی سازمان و آنومیک (نابسامان) توصیف می شود. هر کدام از این نظریات، مؤید این نکته است که هر چه سرمایه اجتماعی و همبستگی و انسجام در درون یک گروه، اجتماع یا جامعه کمتر باشد، میزان جرم و انحراف در آن بالاتر خواهد بود (Aliverdinia, 2005:195).

با توجه به نظریه آنومی، از دیدگاه جامعه شناسان آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضای جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی ضابطه اخلاقی می شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می دهد. هنگامی که جامعه در حال گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان ها دچار سر در گمی می شوند و قواعد و ارزش های جامعه، برای آنها بی اهمیت و کم ارزش می شود. از سوی دیگر ارزش های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در جامعه جانیافته است، در واقع جامعه دو ساخت دارد که برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می کنند. از هم پاشیدگی هنجارها و آنومی، وضعیتی را ایجاد می کند که آرزوهای بی حد و حصر ایجاد می شود و از آنجا که این آرزوها طبعاً این آرزوهای بی حد نمی توانند ارضا شوند، در نتیجه وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می آید که در جریان اقدامات منفی اجتماعی نظیر طلاق، خودکشی و غیره ظاهر می شود که از نظر آماری قابل سنجش است.

آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی می شود؛ زیرا اولاً، اعتماد زمانی شکل می گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را پیش بینی کنند؛ از سوی دیگر، در محیط عاری از اعتماد، اگر سطوح مشارکت و شبکه های روابط کاهش پیدا کنند امری قابل انتظار است. آنومی اجتماعی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی و در طول زمان باعث کاهش آن، و افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می شود. تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنش های متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. برعکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها به طور معکوس نمی توان اعتماد کرد (Messner and Rosenfeld, 2000: 287). لذا به نظر می رسد که سطوح سرمایه اجتماعی باید با آنومی رابطه معکوس داشته باشد و آنومی نیز با کجروی و خشونت رابطه مثبتی دارد.

در نظریه محرومیت نسبی به نظر *Theda Robert Kee* محرومیت نسبی برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنهاست (Ger, 1998: 84). منظور از توقعات ارزشی اشاره به آن دسته یا سطح مطلوبها است که فرد خود را شایسته بدست آوردن یا حفظ آنها می‌داند. در این رابطه، به مواردی نظر معطوف است که فرد یا گروه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا اقتصادی خاصی احساس می‌کند که بر اساس جایگاه و پتانسیل‌هایی که در خود می‌بیند، لیاقت داشتن دسته‌ای از ارزش‌ها را دارد که از آن محروم است. توقعات ارزشی به تناسب گروه‌های اجتماعی متفاوت است؛ مثلاً در حوزه سیاسی، توقعات ارزشی را می‌توان شامل دسترسی به مناصب سیاسی، برابری سیاسی با دیگر گروه‌های جامعه، رعایت کرامت انسانی، وجود آزادی‌ها، بازخواست‌پذیری مسئولان و غیره دانست. توقعات ارزشی در حوزه اقتصادی را می‌توان شامل دسترسی به مسکن، ماشین، تفریحات، رفاه اقتصادی و امنیت اقتصادی و کاری مناسب دانست؛ همچنین توقعات و انتظارات ارزشی در حوزه اجتماعی را می‌توان بر خورداری از شأن اجتماعی، احترام و مورد قبول جامعه قرار گرفتن، کسب شأن متناسب با شغل و غیره دانست (Seyfzadeh, 1997:283). بر اساس این نظریه زنان به علت فرسایش سرمایه‌های اجتماعی‌شان دچار احساس محرومیت نسبی شده و به دنبال آن دچار از هم گسیختگی خانواده می‌شوند.

فرضیه‌های پژوهش

۱. میان سرمایه اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد.
۲. میان اعتماد اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد؛ کاهش اعتماد زنان به معنی فرسایش آن در زندگی، با افزایش از هم گسیختگی خانواده رابطه دارد.
۳. میان احساس حمایت اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد؛ کاهش احساس حمایت زنان به معنی فرسایش آن در زندگی، با افزایش از هم گسیختگی خانواده رابطه دارد.
۴. میان احساس انسجام اجتماعی زنان در خانواده با از هم گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد؛ کاهش احساس انسجام زنان به معنی فرسایش آن در زندگی، با افزایش از هم گسیختگی خانواده رابطه دارد.
۵. میان مشارکت اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد؛ کاهش مشارکت زنان به معنی فرسایش آن در زندگی با افزایش از هم گسیختگی خانواده رابطه دارد.

۶. میان روابط و تعاملات اجتماعی (شبکه‌های اجتماعی) زنان با ازهم‌گسیختگی خانواده رابطه وجود دارد؛ کاهش روابط و تعاملات زنان به معنی فرسایش آن در زندگی، با افزایش از هم‌گسیختگی خانواده رابطه دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر کمی است که به صورت پیمایشی انجام گرفته است. این تحقیق به مطالعه و بررسی از هم‌گسیختگی خانوادگی و تأثیر میزان فرسایش سرمایه اجتماعی در آن می‌پردازد، از مجموع روش‌های تحقیق مرسوم در مطالعات اجتماعی برای سنجش نگرش افراد «شیوه پیمایشی» مناسب‌ترین روش است. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان متأهل (اعم از طلاق گرفته یا در حال طلاق و طلاق نگرفته) شهرستان کاشان هستند، که بر اساس آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، جمعیت کل این زنان ۱۴۴۶۸۸ نفر می‌باشد، و آمار جداگانه دقیقی از تعداد این زنان (اعم از طلاق گرفته یا در حال طلاق و طلاق نگرفته) اعلام نشده است، که بر این اساس کل زنان باهم در نظر گرفته شد و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر محاسبه شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

p و q میزان درصد و یا عدم وجود صفت مورد نظر در جامعه آماری است، در جمعیتی که اکثر افراد یا معدودی از افراد به گونه خاصی به پرسش پاسخ می‌دهند، حجم نمونه کوچکتر خواهد بود.

$$t = \text{تعداد اشتباه استاندارد لازم برای ضریب اطمینان } ۹۵\% = ۱/۹۶$$

$$N = \text{حجم جامعه آماری} = ۱۴۴۶۸۸$$

$$d = \text{دقت احتمالی مطلوب} = ۰/۰۵$$

ضریب اطمینان در سطح ۹۵ درصد، تعیین شده و اندازه t برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. دقت احتمالی مطلوب در تحقیقات علوم اجتماعی برابر با ۰/۰۵ می‌باشد. که با جایگزینی مقادیر فوق در فرمول کوکران، حجم نمونه محاسبه می‌شود.

$$n = \frac{\frac{1.96^2 * (0.5 * 0.5)}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{144688} \left(\frac{1.96^2 (0.5 * 0.5)}{0.05^2} - 1 \right)} = 385$$

بر اساس اینکه بررسی و مقایسه دو گروه بعنوان زنان طلاق نگرفته و طلاق گرفته مدنظر بوده، و جمعیت اعلام شده از سوی مرکز آمار به صورت جداگانه نبوده، از تعداد ۳۸۵ نمونه کل زنان، نمونه به تعداد مساوی به دو گروه از زنان مورد نظر تقسیم شد، که محقق ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل کرد.

انتخاب افراد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی بود، به این نحو که برای دسترسی به گروه زنان مطلقه و در حال طلاق، به بهزیستی شماره ۲ اورژانس اجتماعی شهرستان مراجعه شد، و افرادی که از طرف دادگستری معرفی می‌شدند و در مرحله آخر طلاق بودند؛ و همچنین زنان مطلقه‌ای که به واسطه مشکلات بعد از طلاق‌شان با این مرکز در ارتباط بودند، به صورت تصادفی انتخاب و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. همچنین برای پی بردن به پیامدهای فرسایش سرمایه اجتماعی و به دنبال آن از هم‌گسختگی خانواده با مدیر این مرکز در این رابطه، مصاحبه‌ای انجام شد.

در این تحقیق با اینکه از پرسشنامه‌های تحقیقات قبلی استفاده می‌شود، باز هم از روش اعتبار محتوا^۱ استفاده شده است، که بر قضاوت و داوری متخصصان استوار است. به این صورت که پرسشنامه توسط استاد راهنما مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در این رویکرد ارزیابی اعتبار تأکید بر این امر است که معرف‌ها تا چه میزان وجوه مختلف مفهوم را می‌سنجند. در تحقیق حاضر با وجود استفاده از پرسشنامه‌های تحقیقات قبلی نیز سعی بر آن بوده که اعتبار محتوایی، با استفاده از راهنمایی‌های اساتید و کارشناسان خبره، پس از تغییرات لازم در ابزار اندازه‌گیری حاصل گردد.

روایی پرسشنامه با استخراج فرضیات از دل تئوری‌ها و تعریف دقیق و علمی مفاهیم از بعد نظری و عملیاتی و بهره‌گیری از نظرهای کارشناسان علوم اجتماعی و استاد راهنما صورت گرفت. همچنین از سؤالات سایر تحقیقات بهره‌گیری شد. به طوری که برای هر سؤال از چندین گویه استفاده شده است؛ و در نهایت با بازبینی اساتید در گویه‌های استفاده شده، روایی پرسشنامه تأیید شد. پایایی یک تحقیق یعنی اگر محقق دیگری با همان گویه‌ها به

^۱ content validity

سنجش متغیرها بپردازد، به همان نتیجه‌ای برسد که اکنون به دست آمده است. برای تعیین روایی ابزار این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود. از متغیرهای، دیگر تحقیقات که پایایی آنها از طریق پیش آزمون سنجیده شده بود استفاده شد، و همه دارای پایایی بالایی بودند.

جدول ۱: نتایج تحلیل روایی متغیر وابسته و ابعاد

Table 1: Results of the Validity Analysis of the Dependent Variable and Dimensions

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب روایی
Row	Variable	Number of Items	Validity Coefficient
۱	اعتماد اجتماعی	۱۳	۰/۷۹
۲	حمایت اجتماعی	۱۱	۰/۸۵
۳	مشارکت اجتماعی	۱۲	۰/۶۵
۴	انسجام اجتماعی (پیوندهای اجتماعی)	۷	۰/۸۲
۵	روابط و تعاملات اجتماعی (صمیمیت درون خانواده)	۸	۰/۷۵
۶	ناپهنجاری روابط (درون خانواده)	۱۷	۰/۸۸
۷	اعتماد اجتماعی	۱۳	۰/۷۹
	انسجام اجتماعی	۷	۰/۸۲
	روابط و تعاملات اجتماعی	۸	۰/۷۵
۸	محرومیت نسبی	۸	۰/۸۴

نوع آزمون‌های بکار برده شده برای بررسی دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته در مقیاس میزان متغیرها آزمون تی دو نمونه مستقل، برای مقایسه دو گروه در مقیاس میزان متغیرها در خانواده بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته آزمون *t-test* برای آزمون فرضیات، درباره تأثیر سرمایه اجتماعی و متغیرهای آن بر از هم‌گسیختگی خانواده، آزمون رگرسیون می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در سه بخش توصیف پاسخگویان، توصیف و مقایسه میزان متغیرها و آزمون فرضیات ارائه می‌شود:

از میان تعداد ۳۸۵ نفر، در دو گروه طلاق گرفته ۱۹۳ نفر و طلاق نگرفته ۱۹۲ نفر، بیشترین درصد پاسخگویان ۳۵.۷٪ گروه سنی خود را ۲۰-۳۰ سال و کمترین درصد ۰.۵٪ نیز گروه سنی خود را ۶۰ سال به بالا گزارش کرده‌اند. در میان دو گروه از زنان بیشترین درصد پاسخگویان ۴۰.۳ درصد تحصیلات خود و ۳۵.۶ درصد تحصیلات همسر را دیپلم و فوق دیپلم گزارش کرده‌اند؛ و اما در مورد اصالت اجتماعی پاسخگویان؛ ۴۹ نفر از زنان طلاق گرفته اصالتاً اهل شهرستان کاشان و ۱۴۴ نفر از آنها مهاجر به این شهرستان و اهل آنجا نبودند؛ و کل ۱۹۲ نفر از زنان طلاق نگرفته اصالتاً اهل شهرستان کاشان بودند. ۸۵ درصد از زنان طلاق گرفته در محلات جدید شهر و ۱۵ درصد در محلات قدیمی ساکن بودند.

توصیف و مقایسه میزان متغیرها

جدول ۲: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل سرمایه اجتماعی خانواده بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 2: Results of Two Independent Samples T-Test of Family Social Capital According to Two Groups: Divorced and Non-Divorced

انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه
<i>St. Criteria</i>	<i>St. Deviation</i>	<i>Mean</i>	<i>Number</i>	<i>Group</i>
۱/۸۷۷۹۹	۲۶/۰۸۹۹۰	۲۰۴/۴۲۴۹	۱۹۳	طلاق گرفته
۱/۶۷۴۵۴	۲۳/۲۰۳۰۹	۲۴۹/۷۱۳۵	۱۹۲	طلاق نگرفته

نتایج توصیفی جدول بالا نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ پاسخگو به متغیر "میزان سرمایه اجتماعی"، ۱۹۳ نفر طلاق گرفته و ۱۹۲ نفر نیز طلاق نگرفته بوده‌اند، میانگین میزان سرمایه اجتماعی در میان طلاق گرفته‌ها ۲۰۴.۴۲ و در میان طلاق نگرفته‌ها ۲۴۹.۷۱ بوده است. برای حصول اطمینان از سطح معناداری این تفاوت باید به نتایج آزمون بین این دو متغیر توجه کنیم.

جدول ۳: نتایج آزمون *t-test* مقایسه مقیاس میزان سرمایه اجتماعی خانواده بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 3: Results of the T-Test Comparing the Scale of Family Social Capital According to the Two Divorced and Non-Divorced Groups

سطح معناداری	عدد <i>t</i>	درجه آزادی
<i>Sig.</i>	<i>t</i>	<i>d.f</i>
۰/۰۰۰	۱۷/۹۹	۳۸۳

نتایج آزمون T با فرض برابری واریانس‌های دو گروه حاکی از این است که با سطح معناداری $= 0.0000$ و t به دست آمده برابر با ۱۷.۹۹ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معناداری به دست آمده یعنی $(= 0/0000)$ از سطح معناداری مورد نظر ما $(= 0/05)$ کمتر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود، بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان سرمایه اجتماعی در بین طلاق نگرفته‌ها بیشتر بوده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل اعتماد اجتماعی خانواده بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 4: Results of Two Independent Samples T-Test of Family Social Trust According to Two Groups: Divorced and Non-Divorced

انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه
<i>St. Criteria</i>	<i>St. Deviation</i>	<i>Mean</i>	<i>Number</i>	<i>Group</i>
۰/۴۶۲۹۳	۶/۴۳۱۳۰	۳۲/۲۲۲۸	۱۹۳	طلاق گرفته
۰/۳۴۳۵۱	۴/۷۵۹۸۱	۴۷/۶۸۷۵	۱۹۲	طلاق نگرفته

نتایج توصیفی جدول بالا نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ پاسخگو به متغیر "میزان اعتماد اجتماعی"، ۱۹۳ نفر طلاق گرفته و ۱۹۲ نفر نیز طلاق نگرفته بوده‌اند، میانگین میزان اعتماد اجتماعی در میان طلاق گرفته‌ها ۳۲.۲۲ در میان طلاق نگرفته‌ها ۴۷.۶۸ بوده است. برای حصول اطمینان از سطح معناداری این تفاوت باید به نتایج آزمون بین این دو متغیر توجه کنیم.

جدول ۵: نتایج آزمون t -test مقایسه مقیاس میزان اعتماد اجتماعی خانواده بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 5: Results of the T-Test Comparing the Family Social Trust Scale in Terms of Two Divorced and Non-Divorced Groups

درجه آزادی	عدد t	سطح معناداری
<i>d.f.</i>	<i>t</i>	<i>Sig.</i>
۳۸۳	۲۶/۸۰	۰/۰۰۰

نتایج آزمون T با فرض برابری واریانس‌های دو گروه حاکی از این است که با سطح معناداری $= 0.0000$ و T به دست آمده برابر با ۲۶.۸۰ محاسبه شده است، از آنجا که سطح

معناداری به دست آمده یعنی ($= 0/0000$) از سطح معناداری مورد نظر ما ($= 0/05$) کوچکتر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود، بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان اعتماد اجتماعی در بین طلاق نگرفته‌ها بیشتر بوده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل حمایت اجتماعی خانواده بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 6: Results of Two Independent Samples T-Test of Family Social Support According to Two Groups: Divorced and Not Divorced

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف معیار
Group	Number	Mean	St. Deviation	St. Criteria
طلاق گرفته	۱۹۳	۲۰/۲۶۹۴	۴/۸۷۵۵۳	۰/۳۵۰۹۵
طلاق نگرفته	۱۹۲	۲۶/۸۵۴۲	۳/۹۸۹۴۶	۰/۲۸۷۹۱

نتایج توصیفی جدول بالا نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ پاسخگو به متغیر "حمایت اجتماعی"، ۱۹۳ نفر طلاق گرفته و ۱۹۲ نفر نیز طلاق نگرفته بوده‌اند، میانگین میزان حمایت اجتماعی در میان طلاق گرفته‌ها ۲۰/۲۶ در میان طلاق نگرفته‌ها ۲۶/۸۵ بوده است. برای حصول اطمینان از سطح معناداری این تفاوت باید به نتایج آزمون بین این دو متغیر توجه کنیم.

جدول ۷: نتایج آزمون *t-test* مقایسه مقیاس میزان حمایت اجتماعی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 7: Results of the t-Test Comparing the Social Support Scale in Terms of the Two Divorced and Non-Divorced Groups

سطح معناداری	عدد <i>t</i>	درجه آزادی
Sig.	<i>t</i>	<i>d.f.</i>
۰/۰۰۰	۱۴/۴۹	۳۸۳

نتایج آزمون *T* با فرض برابری واریانس‌های دو گروه حاکی از این است که سطح معناداری $= 0.0000$ و *T* به دست آمده برابر با ۱۴.۴۹ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معناداری به دست آمده یعنی ($= 0/0000$) از سطح معناداری مورد نظر ما ($= 0/05$) کوچکتر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید

می‌شود، بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان حمایت اجتماعی در گروه طلاق نگرفته بیشتر بوده است.

جدول ۸: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل مشارکت اجتماعی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 8: Results of Two Independent Samples T-Test of Social Participation According to the Two Divorced and Non-Divorced Groups

انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه
<i>St. Criteria</i>	<i>St. Deviation</i>	<i>Mean</i>	<i>Number</i>	<i>Group</i>
۰/۴۳۰۵۸	۵/۹۸۱۷۴	۳۸/۰۰۰۰	۱۹۳	طلاق گرفته
۰/۳۶۳۱۴	۵/۰۳۱۷۷	۴۸/۴۷۴۰	۱۹۲	طلاق نگرفته

نتایج توصیفی جدول بالا نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ پاسخگو به متغیر "مشارکت اجتماعی"، ۱۹۳ نفر طلاق گرفته و ۱۹۲ نفر نیز طلاق نگرفته بوده‌اند، میانگین میزان مشارکت اجتماعی در میان طلاق گرفته‌ها ۳۸.۰۰ و در میان طلاق نگرفته‌ها ۴۸.۴۷ بوده است. برای حصول اطمینان از سطح معناداری این تفاوت باید به نتایج آزمون بین این دو متغیر توجه کنیم.

جدول ۹: نتایج آزمون *t-test* مقایسه مقیاس میزان مشارکت اجتماعی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 9: Results of the T-Test Comparing the Social Participation Scale between Divorced and Non-Divorced Groups

درجه آزادی	عدد <i>t</i>	سطح معناداری
<i>d.f</i>	<i>t</i>	<i>Sig.</i>
۳۸۳	۱۸/۵۸	۰/۰۰۰

نتایج آزمون *T* با فرض برابری واریانس‌های دو گروه حاکی از این است که با سطح معناداری $= ۰.۰۰۰۰$ و *T* به دست آمده برابر با ۱۸.۵۸ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معناداری به دست آمده یعنی ($= ۰/۰۰۰۰$) از سطح معناداری مورد نظر ما ($= ۰/۰۵$) کوچکتر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان مشارکت اجتماعی در بین طلاق نگرفته بیشتر بوده است.

جدول ۱۰: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل انسجام و همبستگی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 10: Results of Independent Two-Sample T-Test of Coherence and Correlation According To the Two Divorced and Non-Divorced Groups

انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه
St. Criteria	St. Deviation	Mean	Number	Group
۰/۵۴۹۷۰	۷/۶۳۶۷۲	۲۹/۸۴۴۶	۱۹۳	طلاق گرفته
۰/۴۹۷۳۲	۶/۸۹۱۰۷	۳۶/۱۷۷۱	۱۹۲	طلاق نگرفته

نتایج توصیفی جدول بالا نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ پاسخگوبه متغیر "انسجام و همبستگی"، ۱۹۳ نفر طلاق گرفته و ۱۹۲ نفر نیز طلاق نگرفته بوده‌اند، میانگین میزان انسجام و همبستگی در میان طلاق گرفته‌ها ۲۹.۸۴ و در میان طلاق نگرفته‌ها ۳۶.۱۷ بوده است. برای حصول اطمینان از سطح معناداری این تفاوت باید به نتایج آزمون بین این دو متغیر توجه کنیم.

جدول ۱۱: نتایج آزمون *t-test* مقایسه مقیاس میزان انسجام اجتماعی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 11: Results of the T-Test Comparing the Social Cohesion Scale in Terms of the Two Divorced and Non-Divorced Groups

درجه آزادی	عدد <i>t</i>	سطح معناداری
<i>d.f.</i>	<i>t</i>	<i>Sig.</i>
۳۸۳	۸/۴۵	۰/۰۰۰

نتایج آزمون *T* با فرض برابری واریانس‌های دو گروه حاکی از این است که با سطح معناداری $= ۰.۰۰۰۰$ و T به‌دست آمده برابر با ۸.۴۵ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معناداری به‌دست آمده یعنی ($= ۰/۰۰۰۰$) از سطح معناداری مورد نظر ما ($= ۰/۰۵$) کوچکتر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان انسجام اجتماعی در بین طلاق نگرفته‌ها بیشتر بوده است.

جدول ۱۲: نتایج آزمون تی دو نمونه مستقل روابط و تعاملات اجتماعی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 12: Results of Two Independent Samples T-Test of Social Relationships and Interactions According to Two Groups: Divorced and Not Divorced

انحراف معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه
<i>St. Criteria</i>	<i>St. Deviation</i>	<i>Mean</i>	<i>Number</i>	<i>Group</i>
۰/۲۴۷۴۳	۳/۴۳۷۴۴	۱۹/۰۸۲۹	۱۹۳	طلاق گرفته
۰/۳۴۳۸۱	۴/۷۶۴۰۰	۲۹/۰۲۶۰	۱۹۲	طلاق نگرفته

نتایج توصیفی جدول بالا نشان می‌دهد که از کل ۳۸۵ پاسخگو به متغیر "روابط و تعاملات اجتماعی"، ۱۹۳ نفر طلاق گرفته و ۱۹۲ نفر نیز طلاق نگرفته بوده‌اند، میانگین میزان روابط و تعاملات اجتماعی در میان طلاق گرفته‌ها ۱۹.۰۸ در میان طلاق نگرفته‌ها ۲۹.۰۲ بوده است. برای حصول اطمینان از سطح معناداری این تفاوت باید به نتایج آزمون بین این دو متغیر توجه کنیم.

جدول ۱۳: نتایج آزمون *t-test* مقایسه مقیاس میزان روابط و تعاملات اجتماعی بر حسب دو گروه طلاق گرفته و طلاق نگرفته

Table 13: Results of the T-Test Comparing the Scale of Social Relationships and Interactions According To the Two Divorced and Non-Divorced Groups

درجه آزادی	عدد <i>t</i>	سطح معناداری
<i>d.f</i>	<i>t</i>	<i>Sig.</i>
۳۸۳	۲۳/۴۹	۰/۰۰۰

نتایج آزمون *T* با فرض برابری واریانس‌های دو گروه حاکی از این است که با سطح معناداری $= 0.0000$ و T به دست آمده برابر با ۲۳.۴۹ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معناداری به دست آمده یعنی ($= 0/0000$) از سطح معناداری مورد نظر ما ($= 0/05$) کوچکتر است، مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود، بنابراین نتیجه می‌گیریم که میزان روابط و تعاملات اجتماعی در بین طلاق نگرفته بیشتر بوده است.

آزمون فرضیات

فرضیه اول: رابطه میزان سرمایه اجتماعی و از هم گسیختگی خانوادگی را مورد نظر داشت که نتایج در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۴: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر سرمایه اجتماعی بر از هم گسیختگی خانواده
Table 14: Regression Test Coefficient on the Effect of Social Capital on Family Breakdown

Sig	T	Beta	SE	B	
۰/۳۵۰	-۰/۹۳۵	-۰/۶۳۷	۵/۱۳۸	-۴/۸۰۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۶/۱۹۱		۰/۰۲۲	۰/۳۶۳	سرمایه اجتماعی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ برابر با $R=۰/۶۳۷$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معناداری از سطح معناداری مورد نظر ما $= ۰/۰۵$ کوچکتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می شود. بنابراین نتیجه می گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد سرمایه اجتماعی زنان، میزان از هم گسیختگی خانواده ها به اندازه $-۰/۶۳۷$ کاهش می یابد.

فرضیه دوم: رابطه میزان اعتماد اجتماعی و از هم گسیختگی خانوادگی را مورد نظر داشت که نتایج در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۵: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر اعتماد اجتماعی خانواده بر از هم گسیختگی خانواده
Table 15: Regression Test Coefficient on the Effect of Family Social Trust on Family Breakdown

Sig	T	Beta	SE	B	
۰/۰۰۰	۶/۴۵۲	-۰/۷۵۴	۲/۷۴۲	۱۷/۶۹۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۲۲/۴۳۰		۰/۰۶۷	-۱/۴۹۸	اعتماد اجتماعی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ برابر با $R=۰/۷۵۴$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معناداری از سطح معناداری مورد نظر ما $= ۰/۰۵$ کوچکتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود

داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد اعتماد اجتماعی، میزان از هم گسیختگی خانواده‌ها به اندازه ۰/۷۵۴ کاهش می‌یابد.

فرضیه سوم: رابطه میزان حمایت اجتماعی و از هم گسیختگی خانوادگی را مورد نظر داشت که نتایج در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۶: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر حمایت اجتماعی خانواده بر از هم گسیختگی خانواده

Table 16: Regression Test Coefficient on the Effect of Family Social Support on Family Breakdown

Sig	T	Beta	SE	B	
۰/۰۰۰	۹/۷۴۷	۰/۵۱۹	۳/۶۳۵	۳۵/۴۳۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۱/۸۸۷		۰/۱۵۰	-۱/۷۸۶	حمایت اجتماعی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معناداری ۰/۰۰ = برابر با $R=0/519$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معناداری از سطح معناداری مورد نظر ما ۰/۰۵ = کوچکتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد حمایت اجتماعی، میزان از هم گسیختگی خانواده‌ها به اندازه ۰/۵۱۹ - کاهش می‌یابد.

فرضیه چهارم: رابطه میزان مشارکت اجتماعی و از هم گسیختگی خانوادگی را مورد نظر داشت که نتایج در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۷: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر مشارکت اجتماعی بر از هم گسیختگی خانواده

Table 17: Regression Test Coefficient on the Effect of Social Participation on Family Breakdown

Sig	T	Beta	SE	B	
۰/۴۱۶	۰/۸۱۵	-۰/۶۸۶	۴/۰۸۴	۳/۳۲۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۸/۴۴۰		۰/۰۹۳	-۱/۷۱۶	مشارکت اجتماعی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معناداری $= 0/000$ برابر با $R = 0/686$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معناداری از سطح معناداری مورد نظر ما $= 0/05$ کوچکتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد مشارکت اجتماعی، میزان از هم گسیختگی خانواده‌ها به اندازه $-0/686$ کاهش می‌یابد.

فرضیه پنجم: رابطه میزان انسجام اجتماعی و از هم گسیختگی خانوادگی را مورد نظر داشت که نتایج در جدول آمده است.

جدول ۱۸: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر انسجام و همبستگی بر از هم گسیختگی خانواده

Table 18: Regression Test Coefficient on the Effect of Cohesion and Solidarity on Family Disintegration

Sig	T	Beta	SE	B	
0/000	13/089	0/327	3/940	51/566	مقدار ثابت
0/000	6/770		0/116	-0/786	انسجام اجتماعی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معناداری $= 0/000$ برابر با $R = 0/327$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معناداری از سطح معناداری مورد نظر ما $= 0/05$ کوچکتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد انسجام و همبستگی، میزان از هم گسیختگی خانواده‌ها به اندازه $-0/519$ کاهش می‌یابد.

فرضیه ششم: رابطه میزان تعاملات اجتماعی و از هم گسیختگی خانوادگی را مورد نظر داشت که نتایج در جدول آمده است.

جدول ۱۹: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر روابط و تعاملات اجتماعی بر از هم گسیختگی خانواده

Table 19: Regression Test Coefficient on the Effect of Social Relationships and Interactions on Family Breakdown

Sig	T	Beta	SE	B	
0/000	10/555	-0/694	2/693	28/427	مقدار ثابت
0/000	18/869		0/108	-2/041	روابط و تعاملات اجتماعی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معناداری $= 0/000$ برابر با $R=0/694$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معناداری از سطح معناداری مورد نظر ما $= 0/05$ کوچکتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد روابط و تعاملات اجتماعی، میزان از هم گسیختگی خانواده‌ها به اندازه $0/694$ کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی از نگارش این پژوهش بررسی رابطه بین میزان فرسایش سرمایه اجتماعی زنان مطلقه و غیر مطلقه، و از هم گسیختگی خانوادگی آنان است. برای ارزیابی الگوی نظری و دستیابی به چارچوب تحلیلی منطبق با واقعیت شش فرضیه تدوین شد. نتایج آزمون همه فرضیات نشان داد که بین دو متغیر سرمایه اجتماعی زنان در دو گروه و از هم گسیختگی خانوادگی‌شان رابطه معکوسی وجود دارد، و نشان‌دهنده این نکته است که هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد (یعنی فرسایش سرمایه اجتماعی کمتر باشد)، از هم گسیختگی خانوادگی کمتر خواهد بود. برای سنجش میزان فرسایش سرمایه اجتماعی، پنج متغیر اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و تعاملات اجتماعی در نظر گرفته شد.

در آزمون فرضیه اول مشخص شد به‌طور کلی رابطه‌ای معنادار و معکوسی بین میزان سرمایه اجتماعی زنان و از هم گسیختگی زندگی خانوادگی وجود دارد. به این معنا که هر چه زنان میزان سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند، از هم گسیختگی خانوادگی کمتری دارند. در آزمون فرضیه دوم مشخص شد که میزان اعتماد اجتماعی زنان با از هم گسیختگی خانوادگی آنها رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و به‌عبارتی با استحکام خانوادگی آنان رابطه مستقیم و معناداری دارد. به این معنا که هر چه زنان از میزان اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردار باشند، از هم گسیختگی خانوادگی کمتری و به‌عبارتی زندگی خانوادگی پایدار و مستحکم‌تری خواهند داشت. بر اساس نظریه آنومی که در بخش مبانی نظری بیان شده، اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را

پیش‌بینی کنند؛ تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنش‌های متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. برعکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها به‌طور معکوس نمی‌توان اعتماد کرد. در آزمون فرضیه سوم مشخص شد رابطه‌ای معنادار و معکوس بین میزان احساس حمایت اجتماعی زنان و از هم‌گسیختگی زندگی خانوادگی آنها وجود دارد. به این معنا که هر چه زنان میزان حمایت اجتماعی بیشتری داشته باشند، از هم‌گسیختگی خانوادگی کمتری دارند. به هر حال هر چه زن در زندگی خانوادگی بیشتر احساس حمایت کند پایبندی او به زندگی خانوادگی هم بیشتر خواهد شد، و در غیر این‌صورت با احساس عدم حمایت، افزایش میزان از هم‌گسیختگی خانوادگی را به دنبال داریم. بر اساس نظریه فشار وقایع پرتنش در خانواده یا محله منجر به احساسات منفی و سپس بزهکاری می‌گردد؛ به‌ویژه اگر منابع هنجاری چیره شود؛ و حمایت والدین و همسالان قابل دسترسی نباشد. طبق این تئوری، می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی و همچنین کاهش حمایت و دیگر منابع سرمایه اجتماعی در جامعه و نیز در درون خانواده باعث می‌شود که افراد، هنگام روبرو شدن با منابع فشار نتوانند بر آنها غلبه نمایند؛ در نتیجه احساسات منفی در آنان ایجاد می‌شود که منجر به کجروی و ناهنجاری خواهد شد. در آزمون فرضیه چهارم مشخص شد رابطه‌ای معنادار و معکوس بین میزان مشارکت اجتماعی زنان و از هم‌گسیختگی زندگی خانوادگی آنها وجود دارد. به این معنا که هر چه زنان میزان مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشند، از هم‌گسیختگی خانوادگی کمتری دارند.

در آزمون فرضیه پنجم مشخص شد رابطه‌ای معنادار و معکوس بین میزان انسجام و همبستگی اجتماعی زنان و از هم‌گسیختگی زندگی خانوادگی آنها وجود دارد. به این معنا که هر چه زنان میزان انسجام و همبستگی اجتماعی بیشتری داشته باشند، از هم‌گسیختگی خانوادگی کمتری دارند. هر چه زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی بیشتر احساس انسجام و همبستگی را تجربه کنند، و خود را جزء مفیدی از خانواده و جامعه بدانند، زندگی خانوادگی موفق‌تر و از هم‌گسیختگی خانوادگی کمتری خواهند داشت. با استناد به نظریه بی‌سازمانی، بی‌سازمانی اجتماعی چارچوبی فراهم می‌کند که گسیختگی شبکه‌های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است به هم می‌ریزد. بنابراین، گسیختگی اجتماعی بر پیوندهای اجتماعی

آسیب می‌زند، چون سطوح دسترس‌پذیری سرمایه اجتماعی و تأثیرپذیری جمعی را کاهش می‌دهد. در آزمون فرضیه ششم مشخص شد رابطه‌ای معنادار و معکوس بین میزان روابط و تعاملات اجتماعی زنان و از هم‌گسیختگی زندگی خانوادگی آنها وجود دارد. به این معنا که هر چه زنان میزان روابط و تعاملات اجتماعی بیشتر و قوی‌تری داشته باشند، از هم‌گسیختگی خانوادگی کمتری دارند.

مطابق با نظریات جامعه‌شناسانی مانند کلمن، پاتنام، فوکویاما و گیدنز یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که پایداری و انسجام خانوادگی را ارتقاء می‌بخشد و جامعه را سالم، آرام و مطلوب می‌سازد، سرمایه اجتماعی است؛ اگر افراد سرمایه اجتماعی خود را تقویت کرده باشند، قدرت و توانمندی بیشتری در خود احساس کرده و متناسب با آن زندگی خانوادگی مستحکم‌تری خواهند داشت، اما در صورت فرسایش یا کاهش سرمایه اجتماعی افراد در طول زمان، با از هم‌گسیختگی زندگی خانوادگی مواجه خواهند بود؛ و به دنبال آن همه اعضای خانواده با پیامدهایی همچون بی‌سرپرست یا بدسرپرست شدن کودکان، کودک‌آزاری به شکل‌های مختلف، اعتیاد، فرار از خانه و خودکشی رو به رو خواهند بود.

پیشنهادات پژوهش

- این تحقیق نشان داد زنان با زندگی از هم‌گسیخته یعنی زنان مطلقه با فرسایش بالای سرمایه اجتماعی مواجه بوده، و اکثریت آنها از خانواده‌های مهاجر به این شهرستان بودند، و بومی شهرستان نبودند، و در هنگام طلاق از طرف دادگستری به محل اورژانس اجتماعی به منظور مشاوره اجباری معرفی می‌شوند؛ بنابراین مسئولان امر با توجه به ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، ضروری است از طریق فراهم آوردن زمینه‌های مشاوره اجباری و آگاهی‌دادن، بدون هزینه‌های گزاف، قبل از تشکیل زندگی خانوادگی و با غنی‌سازی سرمایه‌های اجتماعی آنها با آموزش‌های لازم، تلاش بیشتری در افزایش و جلوگیری از فرسایش سرمایه اجتماعی زنان داشته باشند.

- لازم و ضروری است انجام پژوهشی در زمینه علل فرسایش سرمایه اجتماعی مخصوصاً در بین مهاجران شهرستان کاشان.

- در این تحقیق افراد مورد نظر در دارا بودن میزان سرمایه اجتماعی، بنا به تعریف، جامعه آماری تنها زنان در زندگی خانوادگی در نظر گرفته شدند، دلیل این انتخاب ارتباط برقرار کردن راحت‌تر با این جامعه آماری توسط محقق بود. اما سرمایه اجتماعی مردان هم در حفظ استحکام خانواده از اهمیت بالایی برخوردار بوده و هم واجد اهمیت بررسی هستند. زنان و مردان در خانواده به یک اندازه مسئول حفظ استحکام و ثبات زندگی خانوادگی هستند، و مطالعه این جمعیت نیز می‌تواند نتایج سودمندی داشته باشد.

- در این تحقیق میزان فرسایش سرمایه اجتماعی بر زندگی خانوادگی مورد بررسی قرار گرفت، لازم است تأثیرات این فرسایش بر موضوعات مهم دیگری چون هویت، فرهنگ و غیره به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا به نتایج دقیق‌تر و مفصل‌تری دست یافته شود.

References:

Alivardinia, A. (2005). "A Sociological Study of Drug Addiction in Iran", *Quarterly Journal of Social Welfare*, No. 20, 193-212. (Persian).

Bartolini, S., Bilancini, E., Pugno, M. (2005). Did the Decline in Social Capital Decrease American Happiness? A Relational Explanation of the Happiness Paradox. JEL Classification: I3, O1.

Bridge, G. (2002). *The Neighborhood and Social Networks*. CNR Paper 4. <http://www.neighbourhoodcentre.org.uk>.

Bryan, L. (2001). The role of network support and interference in women's perception of romantic, friendly, and parental relationships (Statistical Data Included), *Sex Roles, a Journal of Research*.

Claridge, T. (2004). *Social Capital and Natural Resource Management An important, role for social capital?*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirement for the Degree of Master of Natural Resource Studies, School of Natural and Rural Systems Management, University of Queensland, July 2004.

Coleman, J. (1998). *Foundations of Social Theory*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Nay Publication. (Persian).

Cveticanin, P.; Biresev, A. (2012). *Social and cultural capital in western balkan societies*. Reviewers Inga Tomi -Koludrovic, Ph.D. Eric Gordy, Ph.D. Stef Jansen, Ph.D.

Eslami Bonab, S. R. (2011). "Study of the relationship between social capital and social anomie", *Social Studies and Research*, Volume 1, Issue 1, Spring 2012, 145-172. (Persian).

Firouzjaian, A. A.; Ali Babaei, Y. (2013). *Erosion of Social Capital and Lawlessness in Tehran*. (Persian).

Fukuyama, F. (1999). *What Social Capital? The Institute of Public Policy George Mason University*, Prepared for delivery at the IMF Conference on Second Generation Reforms, October 1, 1999.

Hamdan, H.; Fatimah, Y.; Marlyana Azziyati, M. (2014). "Social Capital and Quality of Life in Urban Neighborhoods High Density Housing", *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 153 (2014), 169-179.

Jolodari, A.; Jazlam, R. (2014). *Study of the absence of social capital factors affecting the collapse of a healthy and stable family*

and its pathology, Second National Conference on Sociology and Social Sciences 2014. (Persian).

Krishna, A. & Shrader, E. (1999). Social capital Assesment Tool, social capital Initiative Working paper No. 22, The World Bank, Washington DS. In.

Mitchel, J.C. (1999). Social Networks in Urban Situations: Analyses of Personal Relationships in central African Towns. Manchester: Manchester University Press.

Neymotin, F. (2014). "Immigrant influx and social cohesion erosion", Neymotin IZA Journal of Migration 2014, 3:5.

Norton, A. (1997). "Social Capital and Civill Society: Some Definitional Issues", in A. Norton et al. Social Capital: The Individual, Society and the State, Centre for, Independent Studies, Sydney.

Paul, J.; Cullen, F.; Jeremy, M. (2001). "Family social capital and delinquent involvement", Journal of Criminal Justice 29 (2001) 1-9.

Paxton, P. (1999). "Is Social Capital Declining in the United States? A Multiple Indicator Assessment", The American Journal of Sociology, Vol. 105, No. 1 (Jul. 1999), 88-127.

Rosalind, E.; Jane, F.; Holland, J. (2003). Families and Social Capital: Exploring the Issues. Families & Social Capital ESRC Research Group, South Bank University 103 Borough Road London SE1 0AA. ISBN 1 874418 32 2.

Rouhani, H. (2009). "An introduction to the theory of cultural capital", Strategy Quarterly, Year 18, Issue 53, Winter 2010: 7-35. (Persian).

Rouhani, H. (2010). "Family capital, the cornerstone of social capital", Strategy Quarterly, Year 19, Summer 2011, pp. 7-46. (Persian).

Sarracino, F. (2012). "Money, Sociability and Happiness: Are Developed Countries Doomed to Social Erosion and Unhappiness? (Time-series Analysis of Social Capital and Subjective Well-being in Western Europe, Australia, Canada and Japan)", Soc Indic Res (2012) 109:135-188.

Seif, S. (2010). Family Growth Theory, Tehran, Alzahra University. (Persian).

Spellerberg, A. (Social Policy), assisted by the social capital programme team (2001). Framework for the Measurement of social capital in New Zealand, Published by statistics New Zealand, Te Tari Tatau, Welington, New Zealand.

Toffler, A. (1991). The Third Wave, translated by Shahindokht Kharazmi, Tehran: Nashr-e-No, Fifth Edition. (Persian).

Investigating the Erosion of Women's Social Capital and Its Consequences in the Family (Case Study: Broken Families in Kashan City)

Abdolreza Bagheri Bonjar (Ph.D)¹, Narges Barazandeh Behrouz²

DOI: 10.22055/QJSD.2024.23706.1534

Abstract:

For the erosion of social capital and the disintegration of the family, enjoying the views of theorists of social capital such as Coleman, Putnam, Fukuyama and Bourdieu and examine some of the assumptions related to disruption of family as social anomie, pressure, relative deprivation theoretical framework was developed. indicators of social trust, social support, social participation, social cohesion and social interaction as measures of erosion of social capital were selected. The six hypotheses were formulated and the method of survey questionnaires validated with 385 divorced and not divorced women city of Kashan, the random sampling method were selected, tested, and the erosion of social capital in two groups. The results showed that the relationship between the erosion of social capital for women and disruption of families is significant, the higher the erosion of social capital for women, the greater the disruption of their families would be greater still. All dimensions of social capital and disruptive family relationship is significant; the erosion of social trust, social support, social participation, social cohesion and social interactions divorced and not divorced women, the disruption of their family also increases. Based on the interviews, too, can be the consequences of the problem in question, such as follows: No supervisor children, child abuse in different ways, addiction, ran away from home and committed suicide.

Key Concepts: *Erosion of Social Capital, Social Trust, Social Support, Social Participation, Subsequent Disruption of Social*

¹Assistant Professor, Department of Sociology, Shahed University of Tehran, Tehran, Iran, ab.bagheri@yahoo.com

² Master of Sociology, Shahed University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), nn.barazandeh.b@gmail.com

